

کاربست تاریخ‌نگاری شفاهی در مطالعات بقیع‌شناسی

علی‌اکبر جعفری (نویسنده مسئول)^۱

اکرم شاسنائی^۲

چکیده

تاریخ شفاهی روش گردآوری اطلاعات در تاریخ معاصر است و در پر کردن خلأهای اطلاعاتی منابع مکتوب و اسنادی کاربرد ویژه‌ای دارد. در این روش، پژوهشگر با مراجعه به شاهدان یا نقش‌آفرینان وقایع، علاوه بر اینکه روایت آنان را ثبت می‌کند و از این مسیر به تولید منابع اطلاعاتی کمک می‌کند، امکان تفسیر حوادث را فراهم می‌آورد و به مسائل پیرامونی وقایع نیز توجه می‌کند. از این روش به خوبی می‌توان برای استخراج و ثبت اطلاعات ناشی از سفرها، از جمله سفرهای زیارتی، بهره برد. بر این اساس این مقاله با استفاده از منابع کتابخانه‌ای - اسنادی و با روش تبیینی در پی پاسخ به این سؤال اصلی است: تاریخ شفاهی در مطالعات بقیع‌شناسی چه کارکردی دارد؟

برآیند پژوهش آن است که بقیع‌شناسی و بررسی تحولات تاریخی و اجتماعی آن ضرورتی

۱. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران،

a.jafari@tr.ui.ac.ir.

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه

اصفهان، اصفهان، ایران،
ak.shasanaei@gmail.com.

کاملاً آشکار است که می‌تواند با بهره‌گیری از تاریخ شفاهی به تولید محتوا بپردازد و بانک اطلاعات ارزشمندی را در زمینه‌های مختلفی (از جمله پیشینه تاریخی و تغییرات سازه‌ای، آداب تشریف و چگونگی تعامل نیروهای امنیتی - انتظامی عربستان با زائران و تغییرات فضایی) جهت پژوهش‌های بعدی در اختیار قرار دهد.

کلیدواژگان: تاریخ شفاهی، بقیع‌شناسی، زائران، کارگزاران حج.

مقدمه

تاریخ، روایت‌های متکثری دارد، اگرچه امکان ثبت همه آنچه در تاریخ اتفاق می‌افتد نیست. افراد حوادث تاریخی را گزینش و روایت می‌کنند. این رویکرد در تاریخ‌نگاری‌های رسمی مشهودتر است. دلایل گزینش را معمولاً میزان اهمیت واقعه تعیین می‌کند؛ اما گاهی تاریخ‌نگاری رسمی برای جلوگیری از بازتاب یک اتفاق سکوت می‌کند. در نتیجه با سپری شدن سال‌ها و تغییر نسل‌ها آن اتفاق به‌کل فراموش می‌شود. تاریخ شفاهی راه حل علمی برای جلوگیری از فراموشی، سکوت یا به حاشیه راندن اتفاقات و گروه‌های اجتماعی مختلف است. با بهره‌گیری از این روش می‌توان زمینه حضور اتفاقات و افراد بیشتر را در تاریخ فراهم کرد و صدای آنان را شنید. ضبط و ثبت مصاحبه‌های تاریخ شفاهی کارکرد مهم دیگری هم دارد و آن تکمیل اسناد و اطلاعات رسمی و مکتوب واقعه است؛ به عبارت دیگر تاریخ شفاهی به حوادث تاریخی بُعدی دهد و امکان خلق روایت‌های متعدد از یک اتفاق را فراهم می‌آورد. همین ویژگی‌ها موجب شده است که تاریخ شفاهی در موضوع مهم بقیع‌شناسی کاربرد ویژه‌ای داشته باشد. در واقع این شکل از تاریخ‌نگاری می‌تواند با جمع‌آوری روایت‌های متعدد از بقیع بر اساس دیده‌ها و تجربه‌های زائران از حضور در این مکان مقدس - همراه با مستندات که نزد خود دارند - تصویری شفاهی از دهه‌های گذشته بقیع به نمایش بگذارد.

در این پژوهش ضرورت بهره‌مندی از تاریخ شفاهی در مطالعات بقیع‌شناسی مسئله

اصلی است. بدین منظور ابتدا تاریخ شفاهی و کارکردهای متنوع و چگونگی استفاده از اطلاعات مستخرج از مصاحبه‌های تاریخ شفاهی بیان می‌شود. در بخش پایانی، ضرورت توجه به تاریخ شفاهی در مطالعات بقیع‌شناسی کندوکاو، و در این زمینه پیشنهادهایی ارائه می‌شود. درباره بهره‌گیری از تاریخ شفاهی در مطالعات بقیع‌شناسی تا کنون اثری منتشر نشده و امید است این پژوهش سرآغازی بر مطالعات و طرح‌های تاریخ شفاهی مرتبط با بقیع‌شناسی باشد.

تاریخ شفاهی: کارکردها و کاربردها

تاریخ شفاهی نوعی روش گردآوری اطلاعات در تاریخ معاصر است که با مصاحبه فعال و هدفمند، سعی در پر کردن خلأهای اسنادی و منابع رسمی و مکتوب دارد. (پیرمردیان و دیگران، ۱۴۰۰ق، ص ۴۸-۳۷) این روش هدفی مشخص دارد و مسیری که باید طی کند و به پایان ببرد را می‌شناسد. وجود تعاریف متعدد از تاریخ شفاهی به علت تفاوت یا اختلاف در ذات و عملکرد تاریخ شفاهی نیست، بلکه در نوع نگاه و احساس نیازی است که به تاریخ شفاهی وجود دارد. شاید بر همین اساس (و چنانچه تاریخ شفاهی در مطالعات بقیع‌شناسی به کار گرفته شود) روایت‌های متکثر و گاه متناقضی از آن حاصل آید. ساده‌ترین تعریف تاریخ شفاهی این است: گفت‌وگویی فعال میان مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده که قرار است در آینده به متن، و سپس به نوشته تبدیل شود. (نورائی و دیگران، ۱۳۸۶ش، ص ۴۳-۳۶) از این جهت که مصاحبه‌شونده خود به شیوه‌ای مستقیم یا غیر مستقیم (شنیدن روایت از شاهدان و عاملان اولیه) در جریان یک رویداد یا یک دوره از تاریخ معاصرش بوده و وقایع را دیده یا شنیده و از آنها تأثیر پذیرفته، مطالبش اهمیت دارد. (عزیزی، ۱۳۸۴ش، ص ۱۷-۹) لذا در مطالعات بقیع‌شناسی می‌توان با جامعه آماری نسبتاً بالایی رویدادها و تاریخ بقیع در دوره‌ای که تلاش گسترده‌ای برای حذف و هدم آن صورت گرفته را تدوین کرد.

نگارش کتاب‌ها بر اساس شنیدن روایت اتفاقات از افراد را می‌توان از مراحل پیش‌اعلمی تاریخ شفاهی تلقی کرد، اگرچه همه آنها شامل تعریف تاریخ شفاهی نمی‌شوند. آنچه مسلم است اینکه پیشینه علمی و روشمند تاریخ شفاهی به سده اخیر برمی‌گردد. تاریخ شفاهی در دوره جدید خود، که همراه با ضبط و ثبت رویدادهای زندگی است، بعد از جنگ جهانی دوم و متداول شدن استفاده از ضبط صوت‌های قابل حمل پیشرفت کرد. (نورائی، ۱۳۸۲ ش، ص ۷۰-۶۶) تاریخ شفاهی پس از اختراع ضبط صوت وارد مرحله جدیدی شد (نورائی و ابوالحسنی ترقی، ۱۳۹۴ ش، ص ۲۶ و ۲۸) که دو ویژگی رشد نظری و کیفی و سرعت از مشخصه‌های آن است. این اختراع امکان ضبط صدا و پیاده‌سازی اطلاعات ارائه شده را برای پژوهشگر فراهم کرد. در این شرایط، پیاده‌سازی و ثبت اطلاعات شاهدان و ناظران یا مؤثران در وقایع را می‌توان به زمانی دیگر سپرد. از این زاویه، سرعت یافتن پژوهش در مرحله جمع‌آوری اطلاعات نیز بر مزایای این شیوه تاریخ‌نگاری افزوده می‌شود و احتمالاً دیگر نیازی به گذراندن زمان‌های طولانی برای جمع‌آوری اطلاعات نباشد. بر همین فرض چنانچه مرحوم دکتر نجفی در مطالعات و جمع‌آوری اطلاعات در ایام حضورش در مدینه منوره از این شیوه تاریخ‌نگاری بهره بیشتری می‌برد، بی‌گمان گنجینه ارزشمند باقی مانده از این تلاش مجاهدانه گرانبهاتر و بیشتر می‌بود.

بر این اساس باید گفت تاریخ شفاهی یکی از روش‌های گردآوری اطلاعات و تاریخ‌نگاری بر اساس اطلاعات مستخرج از مصاحبه‌ها پس از طی مراحل علمی به‌ویژه اعتبارسنجی آنهاست که می‌تواند میزان شناخت و آگاهی ما را از حوادث گذشته وسعت و عمق بخشد. (عزیزی، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۷-۹) اطلاعات منابع مکتوب (اعم از گزارش‌های رسمی، تاریخ‌نگاری‌های رسمی، عکس‌ها، فرمان‌ها، اسناد و مدارک مکتوب و هر آنچه مربوط به گذشته است) اطلاعات محدود، ناقص و غالباً یک‌سویه را به مخاطب عرضه می‌کند. برای رفع این نقیصه، تاریخ شفاهی حالت نوعی منبع اولیه و اصلی و همچنین تکمیل‌کننده را خواهد داشت؛ لذا می‌تواند موجب بسط دانش

تاریخی شود. (رسولی پور، ۱۳۸۷ش، ص ۱۹۸-۱۸۳) گاهی اتفاقی به عمد یا به سهو در تاریخ محل توجه قرار نگرفته است. تاریخ شفاهی کمک می‌کند این اتفاق از حاشیه به متن تاریخ بیاید و دادخواهی کند؛ برای مثال در سال‌های پی‌درپی و بنا بر تصمیمات دولت عربستان سعودی و مسئولان خاص بقیع با تغییراتی در شکل قطعات بقیع روبه‌رویم که موجب به حاشیه رفتن برخی آثار و نشانه‌های بقیع شده است.

از آنجا که رویکرد تاریخ شفاهی برگرفته از زندگی مردمانی است که روزی نقش‌آفرین یا شاهد عینی حوادث روزگار بوده‌اند، (آموزنده، ۱۳۹۰ش، ص ۱۱۴-۱۳۴) تصویری که از اتفاقات ارائه می‌کند کم‌وبیش زنده و بر اساس تجربیات مستقیم و غیر مستقیم افراد است. (سنگین‌آبادی، ۱۳۹۸، ص ۸۷-۹۵) بر همین اساس و با فرض اعتبارسنجی اطلاعات استخراج‌شده از تاریخ شفاهی بقیع، یافته‌ها از این رهگذر تصاویری از زائرانی است که در دهه‌های گذشته بقیع را دیده و در آن حضور داشته‌اند و گزارش‌هایی زنده حاصل از تجربیات خودشان ارائه می‌کنند.

دامنه شمول و کاربرد و حوزه‌های درگیری تاریخ شفاهی بسیار متنوع و گسترده است. (درکتانین، ۱۳۸۴، ص ۳۴-۲۹) هر موضوع اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی می‌تواند در دایره این شمول قرار گیرد. برخی از مهم‌ترین کارکردها و ویژگی‌های تاریخ شفاهی بدین قرار است: ۱. پیوند با تاریخ معاصر؛ ۲. آسان کردن فهم تاریخ؛ ۳. جلوگیری از فراموشی خاطرات و اتفاقات؛ ۴. آشکار کردن زوایای پنهان حوادث تاریخی (سنگین‌آبادی، ۱۳۹۸ش، ص ۹۵-۸۷)؛ ۵. ارائه تصویری هندسی و مهندسی از حوادث. (نورائی، ۱۴۰۱/۰۹/۱۰ش)

ارزیابی اطلاعات مصاحبه‌های تاریخ شفاهی

به طور کلی مباحث مربوط به تاریخ شفاهی در سه ساحت قابل بررسی است: ۱. مباحث نظری شامل تعریف تاریخ شفاهی، چپستی تاریخ شفاهی و تئوری‌های آن،

ساختارهای فکری و نظری تاریخ شفاهی، پیدایش تاریخ شفاهی و تعیین رابطه تاریخ شفاهی با شرح حال نویسی، خاطره نگاری، سنت شفاهی، ادبیات شفاهی، تاریخ روایی و فرهنگ عامه می شود؛ ۲. مباحث روش شناسی تاریخ شفاهی؛ ۳. روش های انتشار اطلاعات مستخرج از مصاحبه های تاریخ شفاهی. (عزیزی، ۱۳۸۴، ص ۱۷-۹) بی شک برای ورود به عرصه مطالعات بقیع شناسی باید همه ارکان و ابعاد این ساحت ها را در نظر داشت؛ در غیر این صورت نتیجه مورد انتظار از این شیوه محقق نخواهد شد.

مهم ترین و اولین شرط کار در تاریخ شفاهی علاقه و صبر و حوصله است؛ زیرا تاریخ شفاهی هم گسترده و هم متنوع است. این مسئله درباره طرح های تاریخ شفاهی موضوع محور مشهودتر است. دانش یا آگاهی حداقلی درباره فرد یا موضوع از الزامات اصلی کار تاریخ شفاهی است. همچنین پژوهشگر باید بر اسناد و مدارک مکتوب و متعارف تاریخ موضوع و دوره مد نظر اشراف داشته باشد تا هم توان تحلیل اطلاعات مصاحبه را داشته باشد و هم در طول مصاحبه بتواند از اطلاعاتش برای غنای بیشتر مصاحبه استفاده کند. (ملائی توانی، ۱۳۸۹، ش، ص ۱۵۴-۱۲۹)

انتخاب موضوع، گزینش افراد مصاحبه شونده و مکان و زمان مصاحبه از اولویت های مهم تاریخ نگاری شفاهی است؛ اما اصلی ترین مرحله، مصاحبه فعال است که در آن هم مصاحبه شونده و هم مصاحبه کننده کنشگرند و نقش آفرینی می کنند و هر دو در نقش مورخ در روایت درست و نزدیک به واقعیت سهیم اند. ابزاری که مصاحبه گر در دست دارد بسته پرسشی اوست. با توجه به ماهیت و جنس موضوع، نوع مصاحبه و طراحی بسته پرسشی متفاوت است. (سنگین آبادی، ۱۳۹۸، ش، ص ۹۵-۸۷) هدف اصلی مصاحبه به دست آوردن اطلاعات تازه، پرهیز از ساده انگاری در تحلیل های متعارف تاریخی و روشن کردن بیشتر واقعیات از طریق کمک به گوینده و طرح سؤالات مناسب و به موقع توسط مصاحبه گر است. (رسولی پور، ۱۳۸۷، ش، ص ۱۹۸-۱۸۳)

بر همین اساس چنانچه قصد ورود به عرصه تاریخ نگاری شفاهی بقیع را داشته

باشیم، باید بپذیریم که این عرصه‌ای تخصصی است و برای حصول نتیجه کامل‌تر، دقیق‌تر و مستند باید همه این ابعاد را در نظر داشت و با یک مصاحبه‌گر تخصصی و توانمند پا به این عرصه گذاشت. اما نکته مهم این است که ارزیابی منابع تاریخ شفاهی باید بر اساس دو اصل منشأ و محتوا باشد؛ (سبزی‌پور و فدایی، ۱۳۸۷ش، ص ۲۴-۷) یعنی هم افرادی که قرار است با آنها مصاحبه شود باید شایستگی‌ها و ویژگی‌هایی - مانند حضور در آن واقعه، داشتن ارتباط با موضوع پژوهش، عدم شهرت به دروغ‌گویی، داشتن سلامت روحی و جسمی و غیره- داشته باشند و هم اطلاعات بیان شده در مصاحبه‌ها باید ارزیابی شود. مصاحبه‌گر حین و پس از مصاحبه داده‌های گردآوری شده را گزینش می‌کند، درجه اهمیت هر کدام را مشخص می‌کند، به سنجش، ارزیابی، تصفیه و جرح و تعدیل آنها می‌پردازد و با کمک عقل و شواهد قانع‌کننده و قابل تأیید (رسولی‌پور، ۱۳۸۷ش، ص ۱۹۸-۱۸۳) سعی می‌کند رابطه علی و معلولی بین حوادث را بیابد. (ملائی توانی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۴-۱۲۹) اطلاعات مستخرج از مصاحبه‌ها باید با توجه به منابع کتبی و شفاهی دیگر بررسی، و میزان درستی ادعاهای مطرح شده مشخص شود. (نورائی، ۱۳۸۵ش، ص ۱۶۳-۱۴۷)

مجریان و مراکز اسنادی برای برنامه‌ریزی طرح‌های تاریخ شفاهی باید پاسخ این سؤالات را بدانند و برایش پاسخ‌های قانع‌کننده و روشن داشته باشند: هدف و مقصود پروژه چیست؟ با چه کسی یا کسانی باید مصاحبه کرد؟ آیا مصاحبه‌کنندگان وقت کافی برای ضبط مباحث و انجام مصاحبه دارند؟ چه کسی مصاحبه را انجام خواهد داد؟ مصاحبه در کجا برگزار خواهد شد؟ به چه نوع تجهیزاتی نیاز است؟ پس از اینکه مصاحبه‌ها انجام شد، فایل‌ها چه وضعیتی پیدا خواهند کرد؟ از طرح، چه محصولی به دست خواهد آمد؟ هزینه‌ها از کجا تأمین خواهد شد؟ (هانر و دیگران، ۱۳۸۵ش، ص ۱۸۶-۱۷۲) این سؤالات مهم بی‌گمان در کاری با ویژگی خاص، یعنی بقیع‌شناسی، با استفاده از تاریخ شفاهی بسیار اساسی و مهم است؛ خاصه اینکه مهم‌ترین اثر تخریبی بر اساس

تفکرات و هابیت آل سعود، بقیع است. همچنین حساسیت پیوسته آنها به این مکان و دستکاری و تغییرات مداومی که هم در سازه و شکل و هم در محتوا و ابعاد زیارتی این مجموعه ایجاد کرده‌اند، - که طبیعتاً بقیع را همچنان در صدر توجهات قرار داده است - بر ضرورت توجه به این سؤالات می‌افزاید.

ضرورت توجه به تاریخ شفاهی بقیع

بقیع مهم‌ترین و معتبرترین قبرستان جهان اسلام به‌ویژه از این نظر است که محل دفن معصومان علیهم‌السلام، بستگان نزدیک پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، صحابه، تابعان و بسیاری از علما و بزرگان و مشاهیر مسلمان است و از این رو جایگاه ویژه‌ای در تاریخ‌نگاری و مشخصاً در خاطره‌نگاری‌ها دارد. این جایگاه از همان قرون اولیه اسلامی تا به حال وجود داشته است. حاصل آن نیز حجم بزرگی از خاطره‌نگاری‌ها، سفرنامه‌نویسی‌ها، تاریخ محلی (مشخصاً با محوریت مدینه‌شناسی) و حتی تولید منابع ادبی در قالب نظم و نثر است. این مکان مقدس، که چسبیده به حرم پیامبر عظیم‌الشأن صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و در جوار مسجدالنبی است، محل حضور و آمدورفت تمام زائرانی است که به زیارت مضجع شریف نبوی مشرف می‌شوند؛ به گونه‌ای که با قاطعیت می‌توان گفت هیچ زائر حریم نبوی نیست که به زیارت بقیع نرفته باشد. از سوی دیگر گزارش‌ها و تصاویر تاریخی باقی مانده از قبل از تشکیل دولت آل سعود (به‌ویژه نمونه‌هایی که از دوره قاجار باقی مانده، مخصوصاً تنها عکس باقی مانده از سال‌های نزدیک به تخریب این مکان مقدس که مخبرالسلطنه هدایت در فروردین ۱۲۸۳ شمسی گرفته) (ر.ک: هدایت، ۱۳۶۸) نشان می‌دهد در جریان تخریب آثار اسلامی مکه و مدینه - که اول بار در فروردین ۱۳۰۵ شمسی رخ داد- به عنوان دو شهر نزول وحی، بیشترین آسیب به این مکان وارد شده است؛ آسیبی که به صورت‌های مختلف تا امروز نیز ادامه دارد. این دو مسئله، یعنی قطعیت حضور زائران در بقیع و آسیب‌دیدگی شدید این مکان در اقدامات آل سعود وهابی، فرصتی فراهم

می‌کند که برای حفظ و نگهداری جنبه‌های مختلف تاریخ، فرهنگ، جغرافیا و فرازوفرود تغییرات ایجاد شده در این مکان از تاریخ شفاهی استفاده کرد.

اهمیت این نوع تاریخ‌نگاری بقیع از زاویه دیگری نیز قابل طرح است و آن اینکه متأسفانه در یکصد سال گذشته و در واقع دنباله تخریب‌های فیزیکی اماکن مقدسه مکه و مدینه بانوعی تهاجم و تخریب علمی - معنوی هم روبه‌رو شده‌ایم و آن محدودیت و ممنوعیت تاریخ‌نگاری این مکان است. نگاهی به بازار تولید و نشر آثار مکتوب در عربستان سعودی - و به دنبال آن در دیگر کشورهای اسلامی - نشان می‌دهد به رغم کارهایی که عموماً در دیگر کشورها به‌ویژه در ایران صورت گرفته، ما با نوعی خلأ در تولید آثار مرتبط با بقیع روبه‌رویم و عمده کارهای انجام شده در قالب کتاب یا حتی مقالات به تاریخ معاصر بقیع نپرداخته‌اند؛ از این رو با توجه به اینکه تاریخ شفاهی و خروجی این فعالیت، یعنی تاریخ‌نگاری شفاهی، شیوه مناسبی برای تاریخ‌نگاری این مکان مقدس محسوب می‌شود، نگاهی اجمالی به فهرست منابع مرتبط با بقیع حداقل سه صورت نزدیک به هم، اما با ویژگی‌های متفاوت، از تاریخ‌نگاری بقیع را نشان می‌دهد:

۱. تاریخ‌نگاری عمومی: عمدتاً به پیشینه و جایگاه بقیع و نیز مشاهیر مدفون در بقیع با ذکر خلاصه‌ای از جایگاه این افراد می‌پردازد و گاهی نیز توضیح بقعه و ساختمان موجود بر قبر ایشان را تصویرسازی کند؛
۲. تک‌نگاری‌های تاریخی: تمرکز مورخ در آن عمدتاً بر شخص یا شخصیت‌هایی از مدفونان در بقیع است. این تمرکز موجب شد که جنبه‌های مختلفی را شامل شود؛ تا جایی که از موقعیت مکانی و بقعه و بارگاه و حتی اقبال زائران به این بقعه نکاتی بیان شود؛
۳. خاطره‌نگاری و سفرنامه‌نویسی: این منابع به رغم داشتن اطلاعات ارزشمند و گاهی ناب، به دلیل ویژگی و ساختارشان، در مواقع مهم و ضروری خاصه برای بررسی تخریب‌های بقیع تنها اندک کمکی به پژوهشگر می‌کنند. تعدادی از این سفرنامه‌ها از

جمله سفرنامه، مکه حسام السلطنه و سفرنامه کیکاووس میرزا قاجار، در مجموعه هشت جلدی با عنوان پنجاه سفرنامه حج قاجاری تصحیح و منتشر شده است که در نوع خود منابع ارزشمندی محسوب می‌شود. (ر.ک: جعفریان، ۱۳۸۹ش)

نکته مهم این است که با حاکمیت آل سعود و دیدگاه و عملکرد افراطی و بدعتی آنها نسبت به آثار و ابنیه مذهبی و تاریخی و نیز نسبت به فرهنگ و آداب زیارت، همین سه دسته منابع تاریخ‌نگاری (که می‌توانست در پژوهش‌های مرتبط با بقیع، مدفونان در بقیع و سایر مسائل مرتبط با این مکان به کار آید)، نیز تقلیل رفته که نتیجه آن ضعف و قلت این دسته منابع در یک قرن اخیر شده است. در این شرایط، تاریخ شفاهی و نتایج آن در قالب تاریخ‌نگاری شفاهی می‌تواند این خلأ و کمبود را تا حد بسیاری برطرف کند. تاریخ‌نگاری بقیع در یک قرن اخیر با استفاده از شیوه تاریخ شفاهی شیوه‌ها، نتایج و آسیب‌هایی دارد که در ادامه تلاش می‌کنیم این مسائل را واکاوی کنیم.

شیوه‌های تاریخ‌نگاری شفاهی بقیع

بقیع همه‌ساله محل زیارت و بازدید بسیاری از ایرانیان در قالب عمره‌گزار و حج‌گزار، کارگزار و مسئول قرار گرفته است. این جمع بسیار زیاد با انگیزه‌های شخصی، علمی و تحقیقی یا مسئولیتی و مدیریتی اطلاعات بسیار ارزشمندی از دوران حضور خود در مدینه‌النبی را مکتوب کرده‌اند و چه بسیار اطلاعاتی بیش از این مکتوبات را به دلایل مختلف هیچ‌گاه عرضه نکرده باشند. این اطلاعات در قالب‌های دیده‌ها، شنیده‌ها، عکس‌ها و دل‌نوشته‌های این جمع کثیر می‌تواند در قالب تاریخ‌نگاری شفاهی بقیع طرف توجه قرار گیرد. بدین منظور ضرورت دارد عملیات تاریخ‌نگاری شفاهی بقیع در دو مرحله فراخوان و مصاحبه انجام شود. ذیل این دو مرحله می‌توان اقدامات زیر را برنامه‌ریزی کرد:

۱. فراخوان جمع‌آوری عکس‌های ایرانیان از بقیع همراه با مصاحبه با صاحبان عکس درباره زمان عکس‌برداری و مسائل پیرامون آن؛ در این مرحله باید تلاش

مضاعفی برای یافتن زمان دقیق عکس‌ها، ترمیم عکس‌ها و شفاف‌سازی آنها به منظور شناسایی بخش‌های مختلف بقیع صورت گیرد.

۲. فراخوان جمع‌آوری فیلم‌های مرتبط با بقیع با تأکید بر مصاحبه با صاحبان اثر و کسانی که در فیلم‌ها قابل شناسایی‌اند: بدین منظور پیشنهاد می‌شود در این فراخوان، فیلم‌های رسمی و اداری (مخصوصاً فیلم‌هایی که تیم خبرنگاری‌ها تهیه کرده است) و فیلم‌های غیر رسمی و شخصی جمع‌آوری شود. نقطه قوت این قسمت اطمینان از وجود چنین فیلم‌هایی در آرشیوهای شخصی و سازمانی است که می‌تواند در این عملیات روشن‌کننده بسیاری از مجهولات باشد.

۳. مصاحبه با کارگزاران مسئول در امور حج و زیارت عمره و تمتع که در دهه‌های گذشته در این زمینه مسئولیتی داشته‌اند: در این باره شاید اصطلاح «پیرخادمان و کارگزاران حج» و اطلاق آن به این دسته از افراد مناسب باشد. بی‌گمان این افراد می‌توانند اطلاعات ارزشمندی از دهه‌های گذشته درباره بقیع در اختیار قرار دهند. شاید بتوان گفت نقطه قوت عملیات تاریخ‌نگاری شفاهی بقیع و گرانیگاه داده‌های مورد انتظار برای این امر در این قسمت فراهم شود.

۴. مصاحبه با زائران شاخص که بنا به دلایلی از جمله داشتن مصاحبه‌ای و انتشار یادداشت‌هایی مشخص است حرفی برای گفتن و ثبت و ضبط در موضوع بقیع دارند: در این زمینه حتی پیشنهاد می‌شود از فرزندان چنین افرادی (در صورتی که زائر شاخص در قید حیات نباشد) استفاده کرد.

۵. شناسایی و مصاحبه با زائرانی که در سال‌های پیش به هر دلیلی در بقیع یا در مسائل مرتبط با بقیع، دستگیر شده‌اند و مدتی را در محاکم قضایی عربستان سپری کرده‌اند.

۶. مصاحبه با شخصیت‌های بارز شیعیان مدینه، به‌ویژه علما و بزرگان شیعه ساکن در این شهر با محوریت بقیع‌شناسی: اگرچه این بخش از عملیات در

ابتدا مشکل، زمان بر و مستلزم برنامه‌ریزی و هماهنگی‌های بسیاری است، تحقق آن قطعاً اطلاعاتی در اختیار قرار می‌دهد که شاید نتوان آنها را در هیچ یک از دیگر فعالیت‌های عملیات کسب کرد.

۷. شناسایی و مصاحبه با کسانی که طی دهه‌های گذشته در موضوع بقیع اثر چایی شاخصی دارند.

۸. مصاحبه با کارگزاران مسئول ایرانی در عربستان که در قالب سفیر، کاردار و غیره مسئولیت داشته‌اند.

شیوه‌های جمع‌آوری اطلاعات برای تولید اطلاعات و منابع تاریخی مرتبط با بقیع، که در گزاره‌های فوق بیان شد، قابلیت تحدید و توسعه دارد. همچنین گزاره‌های بیان‌شده با توانمندی و خبرگی و اطلاعات مصاحبه‌کننده می‌تواند ناگفته‌هایی نیز بر این مجموعه بیفزاید. بر همین اساس شناسایی افراد توانمند و مجرب در امر مصاحبه و آماده‌سازی بیشتر آنها در قالب کارگاه‌های آموزشی ضرورت دارد.

نتایج تاریخ‌نگاری شفاهی بقیع

تاریخ‌نگاری شفاهی بقیع در شرایط فعلی و البته به عبارت درست‌تر در شرایطی که در یک قرن اخیر برای این مکان ایجاد شده اصلی‌ترین ابزار جمع‌آوری اطلاعات و تولید منبع برای پژوهش‌های مرتبط با این مکان ارزشمند است. در واقع این نمونه از تاریخ‌نگاری خلأ اطلاعات تاریخی به‌ویژه تغییرات این مکان طی دهه‌های گذشته که تقریباً همه‌ساله ادامه دارد را پر می‌کند. ناگفته‌نماند عمده یافته‌های این نمونه تاریخ‌نگاری مواد خامی است که اعتبارسنجی و مطالعه و مقایسه تحلیلی آنها ضرورت دارد. یک دغدغه مهم اعتبارسنجی داده‌های استخراج‌شده از تاریخ شفاهی بقیع است که کاملاً درست و علمی است و البته متوجه همه داده‌های ناشی از تاریخ شفاهی می‌شود. اعتبارسنجی این داده‌ها با استفاده از منابع مکتوب، اسناد، تصاویر و البته استفاده از گزارش شفاهی

از دیگر منابع پژوهش ساده‌ترین راه رفع این دغدغه است. بر این اساس مهم‌ترین نتایج تاریخ‌نگاری شفاهی بقیع را در گزاره‌های زیر می‌توان خلاصه کرد:

۱. مکتوب کردن اطلاعات شفاهی حجاج، کارگزاران و مسئولان و نیز مجاوران این مکان و جلوگیری از فراموشی این اطلاعات؛

۲. به دست آوردن اطلاعات وسیع و چندوجهی از تاریخ بقیع، فرهنگ و آداب زیارت بقیع و تغییرات فرمی و شکلی آن؛

۳. تولید محتوا در قالب متن، عکس و فیلم از تاریخ و ویژگی‌های بقیع در قرن اخیر؛

۴. فراهم شدن اطلاعات لازم برای جانمایی دقیق‌تر مزارات بقیع به‌ویژه با تغییرات پی‌درپی این مکان؛

۵. فراهم شدن مجموعه‌ای وسیع و ارزشمند در موضوع فرهنگ زیارت بقیع؛

۶. جمع‌آوری گزارش‌هایی در موضوع مخاطرات پیش‌رو برای زائران بقیع؛

۷. امکان جمع‌آوری گزارش‌های مکتوب اما در خانه‌ها و ادارات باقی مانده از بقیع و مسائل پیرامونی آن.

این نتایج و دیگر نتایج تاریخ‌نگاری شفاهی بقیع بخش بزرگی از خلأها و کمبودهای اطلاعاتی - که پیش از این درباره بقیع گفته شد - را برطرف می‌کند؛ افزون بر این زمینه‌ساز تولید محتوا و متن برای آینده بقیع نیز خواهد بود.

مشکلات تاریخ‌نگاری شفاهی بقیع

تاریخ‌نگاری شفاهی اساساً با مشکلات و آسیب‌های متعددی روبه‌روست. این مسئله درباره بقیع به دلایلی چند از قوت و شدت بیشتری برخوردار است که در ادامه به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

۱. قرار داشتن موضوع تحت مطالعه (بقیع) در خارج از مرزهای سیاسی - فرهنگی

کشور؛ این مشکل کار پژوهشگر (تاریخ شفاهی نگار) را با محدودیت‌های بسیاری روبه‌رو می‌کند. که حوزه مسائل شناسایی افراد، همراهی با مصاحبه‌کننده، مشکلات ویزا و اقامت میان مدت، مشکلات زبانی و غیره را شامل می‌شود.

۲. فراموشی و ضعف حافظه کسانی که در حلقه مصاحبه‌شوندگان قرار می‌گیرند: متأسفانه بسیاری از کسانی که ناگفته‌های فراوانی از این موضوع و سینه‌ای پر از تاریخ بقیع در روزگار معاصر دارند، با این دو مشکل اساسی یعنی فراموشی و ضعف حافظه روبه‌رو شده‌اند.

۳. فوت و فقدان بسیاری از کسانی که می‌توانستند در حلقه مصاحبه‌شوندگان قرار گیرند و اطلاعات آنها در تکمیل و تقسیم اطلاعات این موضوع بسیار مهم و تأثیرگذار بوده است: این مسئله به اضافه بُرد زمانی موضوع - یکصد سال اخیر - قاعدتاً بخش‌هایی از این عملیات را از نظر داده‌های مورد انتظار با مشکل کمبود و فقدان مواجه می‌سازد.

۴. خودداری برخی افراد مؤثر در این فرایند پژوهشی، به‌ویژه میان مسئولان و کارگزاران، از انجام مصاحبه: این امر را حتی می‌توان میان آن دسته از افراد که به دلیل مسائل خاص و مرتبط با بقیع مدتی در زندان‌های عربستان به سر برده‌اند بیشتر دید.

۵. خروجی‌های کم و ضعیف و گاه بر اساس حدس و گمان: متأسفانه به دلیل مشکلات ایجاد شده برای بقیع و سایر اماکن دینی - مذهبی و تاریخی در سرزمین عربستان شاید حتی با تاریخ‌نگاری شفاهی نتوان میزان اطلاعاتی که استخراج می‌شود را در خور اعتنا دانست.

۶. دور بودن و در دسترس نبودن برخی مصاحبه‌شوندگان در جغرافیای ایران، مشخصاً شیعیان مدینه و نیز برخی افراد ایرانی که طی سال‌های گذشته از کشور مهاجرت، و خارج از کشور زندگی می‌کنند: این مشکل هم فرایند کسب

اطلاعات را با چالش روبه‌رو می‌کند و هم عملیات را زمان‌بر می‌کند.

۷. اعتبار و صحت‌سنجی یافته‌ها و خروجی‌های این شیوه‌نگاری در موضوع بقیع: در این باره پیش از این راهکارهایی ارائه شد؛ اما در هر صورت نباید از این مشکل و آسیب مهم در عملیات تاریخ شفاهی بقیع غافل ماند و برای کم‌اثر شدن آن باید تدابیر لازم اندیشید.

این مشکلات و احتمالاً مشکلات دیگری که در جریان کار - مصاحبه‌ها با فراخوان‌های پیشنهادی - خود را نشان می‌دهد در فرایند مطالعات تاریخی به روش «تاریخ شفاهی» امری معمولی است که با تدبیر و برنامه‌ریزی و البته با تبحر و تخصص تیم مصاحبه‌کننده قابل کنترل، کاهش و رفع است. قرار گرفتن طرح «تاریخ‌نگاری شفاهی بقیع» در مجموعه طرح‌های پژوهشی سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با حج و زیارت و حمایت مادی و معنوی و اداری از آن بی‌گمان فرصت مناسبی برای جمع‌آوری اطلاعات ارزشمند درباره این مکان است.

نتیجه‌گیری

تاریخ‌نگاری شفاهی، به‌ویژه در قرن اخیر، راه برون‌رفت برای بسیاری از نادانسته‌های مطالعات تاریخی و فقدان منابع محسوب می‌شود. افزون بر این حتی با فرض وجود اطلاعات و منابع، یافته‌های تاریخ‌نگاری شفاهی حلقه تکمیلی، تصحیحی و حتی نقد و بی‌اعتبارسازی برخی گزارش‌های تاریخی است. از این رو مشخصاً در موضوع بقیع‌شناسی، به دلیل فضای حاکم بر عربستان و مشکلاتی که در قرن اخیر و با تخریب‌های اولیه و مراتب بعدی بقیع شکل گرفت و به اشکال مختلف ادامه یافت، تاریخ‌نگاری شفاهی در جمع‌آوری اطلاعات و تولید محتوا و متن بسیار راهگشا و کمک‌کننده خواهد بود. بر این اساس پیشنهاد مشخص این مقاله، ارائه و تصویب یک طرح پژوهشی با عنوان «تاریخ‌نگاری شفاهی بقیع» و گام بعد تأسیس مرکز تاریخ شفاهی

در پژوهشکده حج و زیارت و بعثه مقام معظم رهبری در حج و زیارت و نیز سازمان حج و زیارت و انجام کارهای علمی و دقیق در این زمینه است. این عملیات در گام اول، تولید منبع و محتوا است؛ منابع و محتواهایی که می‌توان با استفاده از دیگر منابع، به ویژه منابع مکتوب و اسناد و تصاویر و گزارش‌ها، به اعتبارسنجی آنها اقدام کرد و زمینه را برای تولید منابع در جهت شناخت دقیق‌تر و کامل‌تر بقیع فراهم آورد.

منابع

۱. آموزنده، مهدیه (۱۳۹۰ش)، «مطالعه تطبیقی روش‌های سازماندهی اسناد و مدارک تاریخ شفاهی از منظر برخی مراکز تاریخ شفاهی ایران و جهان»، مجله گنجینه اسناد، پاییز، ص ۱۱۴-۱۳۴.
۲. پیرمردیان، مصطفی و دیگران (۱۴۰۰ش)، «نقد کتاب آقای دکتر از منظر تاریخ شفاهی»، دوفصلنامه تاریخ شفاهی، دوره جدید، خرداد، ص ۳۷-۴۸.
۳. جعفریان، رسول (۱۳۸۹)، پنجاه سفرنامه حج قاجاری، تهران، نشر علم.
۴. حسن‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۳ش)، «معیارهای جهانی تاریخ شفاهی»، مجله گنجینه اسناد، پاییز، ص ۸-۱۵.
۵. درکتانیان، غلامرضا (۱۳۸۴ش)، «استانداردهای روایت: نگاهی به تاریخچه، ضرورت و اهمیت موضوع تاریخ شفاهی»، مجله زمانه، تیر، ص ۲۹-۳۴.
۶. رسولی‌پور، مرتضی (۱۳۸۷ش)، «مروری بر تاریخ‌نگاری معاصر و لزوم توجه به تاریخ شفاهی»، مجله تاریخ معاصر، بهار، ص ۱۸۳-۱۹۸.
۷. سبزی‌پور، مجید و غلامرضا فدایی (۱۳۸۷ش)، «جایگاه تاریخ شفاهی در مدیریت یادمانه‌ها (آرشیو)»، مجله کتابداری، پاییز و زمستان، ص ۷-۲۴.
۸. سنگین‌آبادی، نهیه (۱۳۹۸ش)، «قلمرو و جایگاه تاریخ شفاهی در تاریخ‌نگاری»، مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، اسفند، ص ۸۷-۹۵.
۹. عزیزی، غلامرضا (۱۳۸۴ش)، «آناتومی تاریخ شفاهی»، مجله زمانه، تیر، ص ۹-۱۷.
۱۰. ملائی‌توانی، علیرضا (۱۳۸۹ش)، «چشم‌اندازهای نو در تاریخ شفاهی ایران با تأکید بر تاریخ‌نگاری شفاهی»، مجله تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، بهار و تابستان، ص ۱۲۹-۱۵۴.

۱۱. نورائی، مرتضی (۱۴۰۱/۰۹/۱۰ش)، مصاحبه‌گر: اکرم شاسنائی، مکان مصاحبه: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
۱۲. ----- (۱۳۸۲ش)، «مقدمه‌ای بر فلسفه تاریخ شفاهی»، مجله گنجینه اسناد، تابستان، ص ۶۶-۷۰.
۱۳. ----- (۱۳۸۵ش)، «درآمدی بر پاره‌ای مشکلات نظری و کارکردی تاریخ شفاهی»، مجله گنجینه اسناد، زمستان، ص ۱۴۷-۱۶۳.
۱۴. نورائی، مرتضی و علی‌اصغر سعیدی و ابوالفضل حسن‌آبادی (۱۳۸۶ش)، «چندوچون‌های تاریخ شفاهی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، اسفند، ص ۳۶-۴۳.
۱۵. نورائی، مرتضی و مهدی ابوالحسنی ترقی (۱۳۹۴ش)، تاریخ شفاهی و جایگاه آن در تاریخ‌نگاری معاصر ایران ۱۳۸۵ - ۱۳۵۸، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.
۱۶. هانر، جان و دیگران (۱۳۸۵ش)، «شیوه‌نامه تاریخ شفاهی»، ترجمه شفیقه نیک‌نفس، مجله گنجینه اسناد، زمستان، ص ۱۷۲-۱۸۶.
۱۷. هدایت، مهدی‌قلی‌خان مخبرالسلطنه (۱۳۶۸ش)، سفرنامه مکه، به کوشش سیدمحمد دبیرسیاقی، تهران، تیرازه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی